



آسیب‌شناسی عبادت از منظر قرآن و حدیث

فهیمة احمدی*

منیرالسادات پور طولمی**

چکیده

عبادت که اصلی‌ترین وظیفه بنده در برابر پروردگارش است مصون از آسیبها و بلاها نیست. این مقاله به آسیب‌شناسی عبادت از دو جنبه درونی و بیرونی می‌پردازد. ملاک این تقسیم‌بندی، فرد عبادت‌کننده است، از آن حیث که آسیب از جانب خود اوست یا عواملی خارج از حوزه وجودی او. مراد از عوامل درونی پرداختن به نقاط ضعف علمی عبادت از قبیل بیان فلسفه و آداب ظاهری و باطنی برخی عبادات است که ناآگاهی از آنها موجب آسیب زدن به عبادات و در نتیجه قبول نشدن آنها به درگاه خداوند می‌شود. همچنین نقاط ضعف اخلاقی فرد عبادت‌کننده از دیگر آسیبهای عبادت است. آسیب‌پذیری از عوامل بیرونی از حیث تکوینی و غیر تکوینی دسته‌بندی می‌شوند. آسیب‌های تکوینی عبادت یعنی آنچه در خلقت و خارج از وجود هر فرد به عبادات او آسیب وارد کند، یعنی شیطان، نحوه عمل و تأثیر او در عبادات و چگونگی ایجاد مصونیت در مقابل آن. مراد از آسیبهای غیر تکوینی چیزی است که انسانها فراهم آورده‌اند از قبیل عوامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که هر یک می‌تواند آسیبی بر پیکره عبادات وارد کند.

کلیدواژه‌ها: عبادت، آسیب‌شناسی، ضعفهای اخلاقی، نقایص علمی، عوامل تکوینی، عوامل غیر تکوینی.

*. دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

** . استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

عبادت آخرین حد خضوع و تواضع است که به عنوان تعلق و وابستگی مطلق و تسلیم بی قید و شرط عابد در برابر معبود انجام می گیرد. این کلمه که ریشه آن عبد است، یعنی مملوک و کسی که مالک داشته باشد. صاحب/تحقیق اصل کلمه عبد را از لحاظ ماده یکی می داند یعنی نهایت خواری در مقابل ارباب و سرور، در اطاعت و فرمانبری. واژه عبد و مشتقات آن در قرآن صد و پنجاه و هشت بار تکرار شده است. همچنین کلمات نظیر عبادت در قرآن واژه های اطاعت، خشوع، خضوع و تعظیم است.

تعبیر به بنده پرافتخارترین و با شکوه ترین توصیفی است که ممکن است از انسان شود؛ انسانی که به راستی بنده خدا باشد، همه چیز خود را متعلق به او بداند، چشم بر امر و گوش بر فرمانش بدارد، به غیر او نیندیشد، جز راه او را نرود و افتخارش این باشد که بنده پاکباز اوست. برترین افتخار انسان آن است که بنده راستین خدا باشد و این مقام عبودیت است که انسان را مشمول رحمت الهی می سازد و دریچه های علوم را به قلبش می گشاید.

با توجه به عمق معنای عبادت و مصادیق گوناگون آن می توان پی برد که عبادت در اسلام به تعداد مشخصی از رفتارهای عبادی مانند نماز، زکات و جز آن محدود نمی شود بلکه هر عمل و رفتار ارادی انسان که واجد روح اطاعت و بندگی خداوند باشد و از روی اخلاص و به قصد قربت انجام گیرد می تواند مصداقی از مصادیق معنای وسیع عبادت باشد حتی اگر آن عمل، ظاهراً فعلی کاملاً غریزی و ظاهری مانند خوردن و آشامیدن یا روابط زناشویی باشد.

خداوند در آیه ای از قرآن کریم عبودیت را مسیر کمال انسان معرفی می کند: «و جن و انس را نیافریدیم جز برای آنکه مرا بپرستند.»^۱ یعنی تا آنکه مرا بپرستند و فرموده: تا من پرستش شوم یا تا من معبودشان باشم. پس در این آیه عبادت، غرض از خلقت انسان معرفی شده است و این کمالی است که عاید انسان می شود.

۱. تمام آیه‌ها برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر نور.



بررسی آسیبهای هر موضوعی از آن حیث است که بتوانیم با شناخت آنها مصونیت پیدا کنیم (آسیب یعنی آفت، مرض، بلا، نقص، آزار، درد و رنج، صدمه و زیان، خسارت)، مثل تلاش در علم پزشکی برای شناخت انواع میکروبها و باکتریها به منظور مصونیت از آفات آنها، چرا که باقی ماندن در جهل و نشناختن آسیبها و آفات عبادات، ما را از نتیجه آنها محروم می کند و گاهی به حبط و باطل شدن اثر عبادت منجر می شود. همچنین به جای اینکه به طور مصداقی در مورد هر یک از عبادات صحبت کنیم درصدد هستیم طرحی کلی ارائه دهیم که بر همه موارد عبادات انطباق پذیر باشد. به همین دلیل مبنای تقسیم بندی در عوامل درونی و بیرونی، فرد عبادت کننده است؛ عواملی که به درون خود فرد مربوط می شود و عواملی که خارج از فرد عبادت کننده است.

در قرآن واژه آفت وجود ندارد اما همین معنا در لغت به صورت «حَبَطَ» آمده و تباهی و نابودی عمل تعبیر به «حبط عمل» شده که همان آفت است: «و هر کس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است.» و «الها! کارهای خوبمان را به خاطر آلوده شدن به معصیت نابود مکن و راز و نیاز در خلوتهایمان را به علت خلاف کاریهایی که از راه آزمایش تو برایمان اتفاق افتاده تباه مساز!»

۱. عوامل درونی

۱-۱. نقایص علمی

خداوند متعال در آیات قرآنی با به کار بردن واژه هایی، اوصاف و احوال گروه بی بهره از علم را به گونه ای بیان می کند که نشان دهنده وضع اسف بار و شرایط دردناک زندگی آنان است چرا که هرگز گروهی که می دانند و گروهی که نمی دانند با هم یکسان نیستند.

آگاهی های علمی از مبانی اعتقادی و مکتب می تواند در محفوظ ماندن عبادات ما از آسیبها مؤثر باشد و علمی که تبدیل به معرفت شده باشد ما را در کلیات عقاید صحیح از آفات بسیاری از عبادتها محفوظ نگه می دارد. مثلاً اگر در بعد علمی مسئله های توحید، نبوت، امامت، معاد یا عدل آگاهی کافی و شناخت درستی نداشته باشیم بسیاری از انحرافات،



خرافات یا بدعت‌هایی که در فرقه‌ها وجود دارد، عبادات ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تأکید قرآن بر اینکه می‌خواهد باورهای اعتقادی ما را قطعی کند مسلماً برای این است که انسان به هدف نهایی خلقت نمی‌رسد و شرط عبودیت این است که در این باورها متزلزل نباشد. حقیقت عبادت در تحقق یافتن دو بعد ظاهری و باطنی (کالبد و روح) آن است. ناآگاهی از آداب ظاهری و باطنی عبادات و نیز فلسفه آنها می‌تواند آسیب تلقی شود و شناخت هر یک از آنها در ارتقا یا تنزل کیفیت عبادات ما بسیار تأثیر می‌گذارد. گاهی اوقات ندانستن آداب ظاهری یک عبادت موجب قبول نشدن آن به درگاه خداوند می‌شود. برای نمونه فلسفه و آداب برخی عبادات را در اینجا یادآور می‌شویم:

فلسفه و آداب نماز: نماز علاوه بر آنکه یاد خداست و ارتباط عبد با معبود را برقرار می‌کند شامل حرکاتی مثل ایستادن، خم شدن و به خاک افتادن می‌شود. یکی از نویسندگان از این حرکات نماز استفاده می‌کند و نوعی اعجاز علمی برای آن یادآور می‌شود: حرکات اجباری در نمازهای شبانه روز ۱۱۹ عدد است و آن حرکات از بیماری‌هایی نظیر دوالی الساقین (که همان بیماری واریس پاست) با حرکت سریع‌تر خون و تقویت دیواره‌های ضعیف ساق‌های پا جلوگیری می‌کند. «همچنین تحریک عضلات بدن، نشاط قلب و گردش خون، تقویت عضلات رگ‌ها و تقویت مغز را از آثار آن شمرده‌اند. از دیگر فلسفه‌های نماز می‌توان اثر بازدارندگی آن از فحشا و منکر و مهم‌تر از همه یاد خدا را یادآور شد که ریشه و مایه هر خیر و سعادت است و به قول پیامبر گرامی اسلام (ص) ذکر و یاد خدا هنگام مرگ، از برترین اعمال است. نماز روح انضباط را در انسان تقویت می‌کند. داشتن نظم در نماز خواندن موجب می‌شود انسان خالق خود را فراموش نکند و همیشه او را ناظر بر اعمال خود بداند.

از نمونه‌های ظاهری و باطنی ادب در نماز می‌توان پوشیدن لباس تمیز، طهارت، پوشاندن عورت جهت ادب حضور در پیشگاه خدا، ذکر اذان و اقامه، استعاذه، شرکت در صف اول نماز جماعت، اعتدال در چهر و اخفات، حضور قلب و توجه به خدای بلند مرتبه، داشتن طمأنینه و آرامش قلب در حین نماز، خواندن نماز با نشاط، تازگی و دوری کردن از کسالت و خستگی، اخلاص نیت جهت تصفیه عمل، خشوع و تواضع در نماز را برشمرد.



فلسفه و آداب روزه: روزه نیرومندترین وسیله ای است که انسان را از زشتی‌ها باز می‌دارد. در حقیقت روزه زورآزمایی و خودشناسی است و به شخص مقاومت، اراده و توان مبارزه با حوادث سخت را می‌بخشد و چون غریز سرکش را کنترل می‌کند بر قلب انسان نور و صفا می‌پاشد و موجب صعود او از عالم حیوانیت به جهان فرشتگان می‌شود. در طب امروز و طب قدیم اثر معجزه آسای امساک در درمان انواع بیماریها به ثبوت رسیده است و انکار شدنی نیست. در حدیث معروفی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «معدة خانه تمام دردهاست و امساک، بالاترین داروها.»^۱ از ارسطو پرسیدند: چرا شما کم می‌خورید؟ گفت: من می‌خورم برای اینکه بمانم و دیگران می‌مانند برای اینکه بخورند. کسانی که پرخوری می‌کنند هم عمرشان کمتر است و هم به معارف الهی دسترسی ندارند. به راستی پرخوری بلای بزرگی است. سرّ روزه داشتن آن است که قوه شهویه ضعیف و تسلط شیطان کمتر شود. از جمله آداب باطنی روزه می‌توان اضطراب دل شخص روزه دار را در هنگام افطار برشمرد، یعنی داشتن حالتی بین خوف و رجا که نمی‌داند روزه اش قبول شده یا نه و این حالیست که باید در آخر هر عبادتی باشد.

فلسفه و آداب حج: مراسم پرشکوه حج همچون عبادات دیگر، اگر طبق برنامه صحیح انجام پذیرد و از آن بهره‌برداری درستی شود می‌تواند هر سال منشأ تحول تازه‌ای در جوامع اسلامی باشد. مهم‌ترین فلسفه حج همان دگرگونی اخلاقی است. بی جهت نیست که در روایات اسلامی می‌خوانیم: «کسی که حج را به طور کامل انجام دهد، از گناهان خود بیرون می‌آید همانند روزی که از مادر متولد شده است.» همچنین مبادله فرهنگی، انتقال فکرها، تقویت تجارت مسلمانان و تسهیل روابط اقتصادی از دیگر فلسفه‌های حج است و خدا در یکی از آیات شریفه می‌فرماید: «بر شما گناهی نیست که [در سفر حج] از فضل پروردگارتان [روزی خویش] را بجوید.»

عبادات حج مشتمل است بر ترک شهوات و لذات دنیوی، توجه به خدا و خالص کردن خود برای او، توبه از گناهان، ادای حق الناس، خوش خلقی با همسفران، خیرات به اهل

۱. تمام روایتها برگرفته از نرم افزار گنجینه روایات نور.

استحقاق در طول سفر، همچنین قبول تحمل مشقت بدن به ترک وطن و تجدید میثاق الهی و طواف مردمان به اموری که با آنها انس نگرفته‌اند و عقول سر، سر آنها را نمی‌فهمند مثل سنگ زدن، سعی میان صفا و مروه، تحریم صید در حال احرام به جهت بقای نسل حیوانات، قربانی کردن حیوانات در حج، برطرف کردن آلودگی‌ها و زواید بدن، طواف خانه کعبه، گفتن تکبیرات مخصوص، تقصیر که شامل تراشیدن سر و گرفتن ناخن است و مانند آن که با انجام این اعمال کمال بندگی ظاهر می‌شود. تعجب بعضی مردم از انجام این افعال ناشی از جهل آنها به اسرار عبودیت و بندگی در قرار داد مهم حج است.

۲-۱. ضعف‌های اخلاقی

روح عبادت عبودیت و بندگی خداست. در صورتی که صفات منفی و رذیله اخلاقی در فرد زیاد شود به روح عبادت صدمه می‌زند و او را از مقام عبودیتش تنزل می‌دهد. همچنین موجب فاصله گرفتن فرد از قرب به خدا می‌شود. در نتیجه به تدریج از عبادت چیزی جز کالبد ظاهری و کرنش و خم و راست شدن باقی نمی‌ماند و ظاهر عبادت، کالبدی بی‌روح خواهد شد.

الف. حسد یعنی آرزو داشتن برای زوال و نیستی نعمت کسی که استحقاق آن نعمت را دارد و بسا که با این آرزو و حسادت عملاً نیز کوشش در نابودی نعمت او شود. حسود کاری می‌کند که نعمت از صاحبش سلب شود. او متوسل به بسیاری از گناهان کبیره می‌شود و با این کارش روز به روز از خدا فاصله می‌گیرد و ایمانش ضعیف‌تر می‌شود. حسود در واقع معترض به حکمت خداست که چرا به افرادی نعمت بخشیده و آنها را مشمول عنایت خود قرار داده است. در نهج‌البلاغه از علی (ع) نقل شده است: «حسد به تدریج ایمان را می‌خورد همان‌طور که آتش هیزم را به تدریج از بین می‌برد».

ب. اخلاص نداشتن: عبادت وقتی حقیقتاً عبادت است که عابد در عبادتش خلوص داشته باشد و خلوص همان حضوری است که غیر خدا به کسی دیگر مشغول نباشد و در عمل شریکی برای سبحان تراشد. خدا در قرآن می‌فرماید: «و منت مگذار و فزونی مطلب»



یعنی کار نیکی را که برای خدا انجام می دهی هرگز زیاد مشمار، بلکه همیشه خود را در سر حد قصور و تقصیر بدان و عبادت را نوعی توفیق بزرگ الهی برای خودت بشمار. مولایمان علی(ع) در این زمینه هشدار می دهند که: «مبادا هرگز با خدمت‌هایی که انجام داده‌ی بر مردم منت‌گذاری، یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری. منت نهادن پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش می‌گرداند».

پ. ریا یعنی رؤیت به معنی انجام دادن کارها به قصد و انگیزهٔ موقعیت و محبوبیت در دل مردم که بارزترین نوع آن، جلا و جلوه دادن عمل است برای آنکه مردم تحسین کنند. یکی از سرچشمه‌های تظاهر و ریاکاری، نفاق، ایمان نداشتن به روز قیامت و توجه نداشتن به پاداش‌های الهی است و گرنه چگونه ممکن است انسان پاداش‌های الهی را رها کند و به خلق و خوشایند آنها روی آورد؟ مصداق این موضوع را می‌توان در آیهٔ ۲۶۴ سورهٔ بقره جست و جو کرد: عمل مؤمن در ابتدا صحیح انجام می‌شود ولی بعداً پاره‌ای عوامل مثل منت، آزار و ریا آن را باطل می‌کند. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «شخص ریاکار در روز قیامت با چهار نام صدا می‌شود: ای کافر! ای فاجر! ای حيله‌گر! ای زیانکار! عملت نابود شد و اجرت باطل گشت. امروز هیچ راه نجاتی نداری. پاداش خود را از کسی بخواه که به خاطر او کاری انجام داده‌ای».

ت. ظلم یعنی ستم و ناقص کردن حق یا گذاشتن شیء در غیر موضع خویش و خارج شدن از مسیر حق و راهی که خداوند تبارک و تعالی توسط انبیا و رهبران دین پیش روی گذارده‌اند. صاحب مفردات تمامی انواع ظلم را ظلم به نفس می‌داند زیرا در همان آغاز که کسی ظلم می‌کند اول به خودش ستم کرده است. پس ظلم آغاز کنندهٔ ستم از نفس خویش است. از بزرگ‌ترین موارد ظلم که هرگز بخشیده نمی‌شود شرک و ظلم به خداست. هر سه صورت ظلم (ظلم به خدا، ظلم به ممنوعان، ظلم به نفس) در عبادات رخنه می‌کنند و حتی باعث می‌شوند که زمینهٔ رشد و توفیق عبادت و شیرینی آن از انسان گرفته شود.

ث. عجب یعنی شگفتی و خودبینی. حالتی است که از بزرگ شمردن یا انکار چیزی بر شخص عارض می‌شود، خواه آن کمال را داشته باشد یا نداشته باشد و معجب بر زوال



نعمت خائف نیست بلکه به آن مطمئن و سرمست است و شادی او از این جهت است که آن صفت کمال به خود او منسوب است نه عطای خدای تعالی. چنین کسی عمل زشتش در نظرش زیبا شده و کافر است و این شیطان و نفوس بد اوست که اعمالش را برایش زینت می‌دهد تا مشغول به کارهای دنیوی و لذات شهوانی شود و تکالیفش را زیر پا گذارد و بیشتر در منجلا ب گناهانش غرق شود. در این صورت هیچ راه نجاتی ندارد. در پرهیز از عجب مولایمان علی (ع) فرمودند: «مبادا هرگز دچار خودپسندی گردی! و به خوبی‌های خود اطمینان کنی و ستایش را دوست داشته باشی که اینها همه از بهترین فرصت‌های شیطان برای هجوم آوردن به توست و کردار نیک نیکوکاران را نابود می‌سازد».

ج. حق الناس صورت‌های مختلفی دارد که یکی از آنها غصب است غصب آن است که انسان از روی ظلم و ستم بر مال یا حق کسی مسلط شود یا چیزی را به ناحق از دیگری بگیرد. صور دیگر حق الناس شامل بدبینی نسبت به دیگران، حسادت، نگاه بد، بردن آبروی برادر دینی خود و شهادت به ناحق دادن نسبت به دیگران می‌شود که هر کدام از این موارد به گونه‌ای در عبادات رخنه می‌کند و حتی به حبط و باطل شدن آن عبادت منجر می‌شود. برای نمونه نماز خواندن با لباس غضبی یا در مکان غضبی موجب بطلان نماز می‌شود.

۲. عوامل بیرونی

۲-۱. آسیب‌های تکوینی

آسیب‌های تکوینی یعنی آنچه در خلقت خارج از وجود هر فرد به عبادات او آسیب وارد کند. مثلاً شیطان همچون حشره‌ای است که دنبال نقطه ضعف می‌گردد و از همان نقطه کارش را شروع می‌کند و معمولاً در گمراه کردن و شدت بخشیدن به گمراهی پیروز می‌گردد. حضرت علی (ع) در حدیثی نقاط ضعف انسان را برای نفوذ شیطان سه چیز می‌داند: «زن دوستی که شمشیر شیطان است (منظور حضرت زن بارگی و چشم چرانی به زن‌ها و اظهار علاقه به زنان نامحرم است) و شرابخواری که دام شیطان است و عشق به درهم و دینار و پول دوستی که تیر شیطان است.» در آیه ۲۲ سوره ابراهیم شیطان خودش به



صراحت اذعان دارد که «نحوه عمل من در حد وسوسه گری و دعوتگری است» و انسان‌ها باید توجه داشته باشند که وسوسه از آدمی سلب اختیار نمی‌کند. هر چند که وسوسه‌های شیطان نیرومند و قوی باشد انسان می‌تواند با نیروی خرد و ایمان در مقابل آن ایستادگی کند، هر چند که منجر به تحمل رنج‌ها و دردهایی شود.

شیطان آسیب جدی در عبادات ماست و اوست که روز و شب در پی اغوای بندگان خداست و هرچه را خدا امر می‌کند او نهی می‌کند و برعکس. پس شیطان متصدی گمراه کردن و منصرف کردن انسان از اطاعت خداوند و عمل خیر است. او به کلی خدا را از یاد خاسران می‌برد؛ آنهایی که عمرها و فطرت انسانی خود را به باطل تلف کردند و عذاب ابدی جای نعمت ابدی آنها را گرفت. شیطان فقط می‌خواهد انسان را به بدیها و زشتی‌ها دستور دهد و او را وادار کند به خدا افترا بزند تا بین او و خدا فاصله اندازد. شیطان گام به گام در انسان نفوذ می‌کند، به خصوص در افراد با ایمانی که با راز و نیاز با خدای خود مأنوس اند مرحله به مرحله عمل می‌کند. باید در همان گام‌های نخستین در برابر او ایستاد و با او همراه نشد. او انسان‌ها را به آرزوهای دور و دراز و رنگارنگ سرگرم می‌کند تا از عبادت، شکوفایی استعدادهای خویش و تحصیل علم و دانش باز بمانند و با این کار آنها را گمراه می‌کند و به اعمال خرافی دعوت می‌کند. شیطان وعده‌های دروغین و غرورآفرین می‌دهد و کسی که تابع او می‌شود از رحمت خدا فاصله می‌گیرد، چرا که عامل بدبختی شیطان و رانده شدن او از درگاه رحمت الهی، همین کبر و غرور بود. هرگاه شیطان نتواند در دل مؤمنی نفوذ کند و تمام درها را به روی خودش بسته ببیند راه دوستی و تزویر را پیش می‌کشد و سوگند یاد می‌کند که من خیرخواه شما هستم تا از این طریق شخص را گمراه کند و اعمال نیکش و از جمله عباداتش را تباه کند. او از طریق آراستن و زیبا نشان دادن گناه، انسان را به نافرمانی از خدا و دور شدن از مقام قرب او وسوسه می‌کند.

با مبارزه با نقاط ضعف اخلاقی و شخصیت می‌توان مانع اغواگری شیطان شد. برای نمونه شیطان در امر انفاق کردن به انسان وعده تهیدستی و فقر می‌دهد و مانع می‌شود، یا از طریق دیگری امر به انفاق چیزهای پست و بی ارزش می‌کند.



انسان در زندگی این جهان با توجه به عوامل غافل‌کننده و وسوسه‌کننده، نیاز به تذکر و توجه دارد. نماز این وظیفه مهم را بر عهده دارد و یاد خدا را جایگزین یاد شیطان می‌کند. در همین زمینه امام زمان (عج) می‌فرماید: «هیچ چیز مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد».

۲-۲. آسیب‌های غیر تکوینی

آسیب‌های غیر تکوینی یعنی آنچه انسانها برای تشدید جنبه‌های انحرافی در عبادات و دور کردن مردم از خدا و دعوت به جهالت برای تثبیت موقعیت خود در جامعه فراهم آورده اند.

آسیب‌های سیاسی: یکی از سنت‌های سیاست بازان کهنه کار این است که هرگاه حادثه مهمی برخلاف میل آنها واقع شود برای تثبیت موقعیت خود و منحرف کردن افکار عمومی فوراً دست به کار آفریدن صحنه‌ای تازه می‌شوند. سیاستمداران استعمارگر امروزه با چهره‌های دیگر مدعی دموکراسی و دفاع از حقوق بشرند و مفاهیم ارزشی را بهانه ای برای رسیدن به اهداف شوم خود قرار داده‌اند که ملت‌ها را به استثمار بکشانند و با کمک گرفتن از رسانه‌های جمعی و ماهواره ها بین آنها و ارزش‌های دینی و الهی فاصله اندازند تا حاکمیت خود را بر حاکمیت خدا غالب کنند. اینک نمونه این تلاش‌های دروغین آنها را در آیات قرآن و روایات می‌بینیم:

الف. همه جباران و حاکمان طاغوتی در طول تاریخ، در گذشته و امروز، همیشه رأی صواب و درست را رأی خود می‌پندارند و به گمان خود عقل کل هستند و دیگران مطلقاً عقل و دانشی ندارند که این نهایت جهل و حماقت آنهاست. آنها با این نیرنگ جدید می‌خواهند حاکمیت خود را مستمر کنند و حاکمت الله را کنار بزنند.

ب. چهره دیگر طریقه زمامداران زورگو و ستمگر در هر عصر و زمانی آن است که نخست مردان مصلح الهی را متهم به توطئه بر ضد مردم می‌کنند و پس از استفاده از حربه تهمت، حربه شمشیر را به کار می‌برند تا موقعیت حق طلبان و پشتوانه مردمی آنها نخست



تضعیف شود و سپس آنها را از سر راه خود بردارند.

پ. گذشته از آیات قرآن، مقدس مآبانی در جامعه وجود دارند که عامل خطرناکی اند و از درون، جامعه اسلامی را تهدید می‌کنند. پیشانی‌های آنان از کثرت عبادت پینه بسته، کف دست‌ها مثل زانوی شتر است، پیراهن‌های کهنه زاهد مآبانه و قیافه‌های بسیار جدی و مصمم دارند که در تاریخ اسلام چنین مواردی به چشم می‌خورد. از جمله اینکه حضرت علی(ع) با این گروه برخورد جدی کردند تا جامعه مسلمانان از وجود آنان مصون بماند. آنجا که خود می‌فرماید: «این من بودم و فقط من بودم که چشم فتنه را درآوردم و غیر از من احدی قادر نبود که چشم این فتنه را بکند (یعنی فتنه این خشکه مقدس‌ها). غیر از من احدی از مسلمین جرأت نمی‌کرد که شمشیر بر گردن اینها بگذارد ولی من چشم این فتنه را پس از آنکه دریای ظلمت داشت موج می‌زد و موج تاریکی بالا گرفته بود و سگشان فزونی گرفت درآوردم». علی(ع) می‌گوید این مقدس مآبها به صورت سگ‌ها درآمده بودند و مانند سگ‌ها با هر کس تماس می‌گرفتند او را هم مثل خودشان‌ها می‌کردند. همین‌طور که اگر مردم ببینند سگی‌ها شده است هر کس به خود حق می‌دهد که او را اعدام کند برای اینکه دیگران را‌ها ن‌کند، لذا علی(ع) این‌گونه عمل کرد زیرا خطر اسلام را پیش‌بینی می‌کرد، در غیر این صورت آنها جامعه اسلامی را در جمود، تحجر و حماقت خود فرو می‌بردند. در آن زمان انحرافات دینی و بدعت‌ها مهم‌ترین مشکل حکومت امام علی(ع) بود. ناآگاهی جامعه از دین و نبودن برنامه منسجم برای روشنگری مردم ابعاد این دشواری را پیچیده‌تر می‌ساخت. بسیاری از سخنان پیامبر(ص) متروک شده بود، در برخی موارد، قوانین ویژه جلویی از نقل و نگارش حدیث، راه رسوخ شبهه‌ها و کژاندیشی‌ها را به جامعه گشوده بود. از جمله خوارج نهروان که مردمی جامد، احمق و بسیار کج سلیقه بودند برای نفی حکمیت یا تعیین خلیفه در جنگ صفین بر علی(ع) ایراد گرفتند و تعیین خلیفه را گناه دانستند و به این شعار چسبیدند که خداوند می‌گوید: «فرمان جز به دست خدا نیست». حضرت علی(ع) وقتی شنیدند که خوارج می‌گویند حکومت فقط از آن خداست فرمودند: «سخن حقی است که از آن اراده باطل دارند.» می‌بینیم که چطور سازنده‌ترین برنامه‌ها

هنگامی که به دست افراد نادان بیفتد، تبدیل به بدترین وسایل مخرب می‌شود. امروز نیز گروهی از نظر جهل و لجاجت چیزی از خوارچ کم ندارند و آیه فوق را دلیل بر نفی تقلید از مجتهدان یا نفی صلاحیت حکومت از آنها می‌دانند.

آسیب‌های فرهنگی: این آسیبها به دو دسته فساد فرهنگی داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند:

الف. فساد فرهنگی داخلی: اگر جامعه‌ای رشد کافی نداشته باشد از هر کدام از قسمت‌های دین برداشت‌های سطحی دارد. این موضوع در بعد عبادی موجب می‌شود هم عبادت از پوسته و ظاهر آن فراتر نرود و هم امکان بدعت در عبادات زیاد شود که روی آوردن به خرافات و اباطیل یکی از موارد آن است و آن از پیروی هوای نفس و مخالفت با ارشاد و هدایت انبیا و اولیا و غفلت از حقایق و مقدم داشتن باطل بر حق نشئت می‌گیرد، چون انسان‌های خرافه پرست سخنان پایه مذهبی و الهی ندارد و در کل از چیزهایی پیروی می‌کنند که ساخته ذهن بشر است. جمله بسیار زیبایی در دعا و زیارت اربعین حضرت سیدالشهدا به چشم می‌خورد که: «خدایا حضرت حسین(ع) کسی بود که خون قلبش را در راه تو داد تا بندگان را از نادانی و حیرانی در گمراهی نجات بخشد.» پس فراموش نکنیم که فلسفه قیام عاشورا مبارزه با جهل و خرافه پرستی و احیای احکام ناب محمدی(ص) بود.

مورد دیگر فساد فرهنگی داخلی، سطحی نگری است. باید توجه داشت که در این عالم هیچ چیز ساده و بی اهمیت نیست، چرا که همگی مصنوع و مخلوق خدایی است که علمش بی انتها و حکمتش بی پایان است. علت روی گرداندن بسیاری از مردم از آیات و نشانه‌های خدا دیدن مکرر آنهاست. آنها به جای آنکه از وجود علائم بی‌شمار موجود در آسمان‌ها و زمین پی به آفریننده آنها ببرند روی گردان می‌شوند و کوچک ترین توجهی نمی‌کنند. در جامعه امروزی انواع دخیل بستن به درختها و در مکان‌های مقدس، نوع خاص نذرها مانند شمع روشن کردن‌هایی که زمانی به دلیل نبودن برق مفید بوده و در جامعه کنونی ثمره‌ای ندارد و مانند آن زمینه را برای ورود افکار موهوم غیردینی فراهم می‌کنند. اینها همه ناشی از برداشت‌های عامیانه و سطحی از نوع عبادات و جهل مردم است؛ جهلی که عامل اصلی گناه



و نافرمانی پروردگار و منحرف شدن از صراط مستقیم الهی است. بیان امیرالمؤمنین علی(ع) در این مورد این است: «کسی که کاری را بدون علم و آگاهی انجام دهد مثل کسی است که به بیراهه می‌رود. ناگزیر چنین کسی به هر اندازه‌ای که از راه دور شود به همان اندازه از مقصود و منظورش دور خواهد شد». معمولاً آدم‌های نادان فریب هوا و هوس خویش را می‌خورند و جز به خواسته‌های دل به چیز دیگری توجه ندارند. نشان بارز جهل آنها این است که یا در مسیر افراط یا در مسیر تفریط گام بر می‌دارند. در عصر حاضر سودجویانی پیدا شده‌اند که از جهل مردم سوء استفاده می‌کنند و با نام شریف امام عصر(عج) مدعی ارتباط با امام می‌شوند.

ب. فساد فرهنگی خارجی: وقتی ملتی از نظر فرهنگی به حد رشد و استقلال نرسیده باشد در این صورت فرصت برای ورود فرهنگ‌های بیگانه پیدا می‌شود. راه رخنه نکردن فرهنگ‌های بیگانه این نیست که مسیر مراودات فکری را ببندیم. در دنیای حاضر چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. اما باید از لحاظ فرهنگی به ارتقا برسیم، هویت خود را بشناسیم و مانند موجودات زنده مواد مفید را جذب بدن و مواد مضر را از خود دور کنیم و به امر پروردگارمان در یکی از آیات شریفه عمل کنیم که می‌فرماید: «به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند. اینان اند که خدایشان راه فرموده و اینان اند همان خردمندان». صاحبان عقل و خرد کسانی‌اند که سخن گوش فرا می‌دهند و بهترینش را پیروی می‌کنند. می‌توان برداشت کرد که از میان فرهنگ‌ها و فکرهای مختلف می‌توان بهترین و سازنده‌ترین آنها را انتخاب کرد هرچند که آن فکر یا فرهنگ متعلق به بیگانه باشد، چرا که انتخاب احسن، مورد توجه قرآن است و انتخاب احسن، بدون توفیق الهی ممکن نیست. با توجه به آیات قرآن کریم نمونه‌های برنامه‌های استعمارگران را برمی‌شماریم تا معلوم شود آنها چگونه و با چه ترفندهایی قصد ویرانی فرهنگ ما را دارند.

الف. تبلیغات امروز استعمارگران در لباس‌های مختلف مثلاً خاور شناس، مورخ، عالم علوم دینی و روزنامه نگار برای تضعیف روحیه دینی؛

ب. تنوع‌طلبی دام بزرگ استعمارگران برای اسیر کردن انسان‌ها با انواع غذاها، مسکن‌ها



و مرکبها برای بازماندن از هدف اصلی ایمان و تقوا؛

پ. گمراه کردن از راه صدا و تبدیل کردن مخاطبان به بردگانی بی اراده و ناتوان؛
ت. استخفاف عقول و شست و شوی مغزی افراد از راه جایگزین کردن ارزش‌های دروغین و قرار دادن آنها در حالت بی خبری از واقعیت.

آسیب‌های اقتصادی: از نظر دین مبین اسلام حرص، زیاده خواهی و اسراف و نیز فقر و نداری هر دو خارج از اعتدال است و موجب آسیب‌هایی در زندگی می‌شود.

الف. ثروت‌زدگی: آفتی است که بسیاری از ثروتمندان به آن گرفتارند چون به وظیفه خود عمل نمی‌کنند، یعنی حقوق واجب و مستحب مربوط به اموالشان را نمی‌پردازند و همین که احساس بی‌نیازی کنند سر به طغیان می‌زنند. این رفاه‌زدگی در آنها موجب اعراض شخص موحد از حق و حقیقت دین می‌شود. ثروتمندان نباید ثروت خود را به رخ مستمندان بکشند، چرا که خدا در قیامت به آنها اعتنا نخواهد کرد و تحقیر خواهند شد.

ب. فقر و نداری: فقر به دین آسیب می‌زند و سبب سستی معتقدات فرد می‌شود و سرانجام به بی اعتقادی می‌انجامد. به فرموده پیامبر اسلام(ص): «بیم آن است که فقر به کفر بینجامد.» به خاطر همین مسئله بود که پیامبر(ص) و امامان در روزگار خویش کوشیدند تا قوت و روزی محرومان را شبانه به آنها برسانند و آنان را از پرتگاه‌ها و مهلکه‌ها نجات دهند. در همین خصوص حضرت علی(ع) درباره آثار بد فقر به فرزندش محمد حنفیه می‌فرماید: «ای فرزند، من از فقر بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی و خشم بندگان می‌شود».

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان دریافت که عبادت با آگاهی از ارزش و مقام بالایی برخوردار است و جهل در انجام عبادات بزرگ‌ترین آفتی است که بر عبادت وارد است. قرآن کریم برای نشان دادن امتیاز این دو گروه از کلمه «خییث» برای نادان و کلمه «طیب» برای دانا استفاده کرده است و از خردمندان داوری می‌خواهد که آیا میان این دو عنصر آلوده و پاکیزه



تفاوتی وجود دارد؟

همچنین دسترسی نداشتن ما به فلسفه عبادات مانند نبودن حکمت و فایده برای عبادت نیست بلکه علت ندانستن ما کاستی علم بشر است، اما چون اوامر و نواهی خداوند از علم الهی سرچشمه می‌گیرند پس حتماً در هر امری مصلحتی و در هر نهی‌ای مفسدتی است، خواه به آن آگاه بشویم یا نشویم. هر چقدر آگاهی‌های انسان به این امور بیشتر شود عباداتش از آفات و آسیب‌های ناشی از جهل به آنها مصونیت بیشتری خواهد داشت. همچنین خضوع و خشوع انسان‌ها در عبادت‌هایشان بیشتر خواهد شد. با توجه به موارد ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت باقی ماندن بر هر یک از موارد فوق می‌تواند مانع بزرگی در مسیر عبادت صحیح و نیل به مقام عبودیت باشد. رضایت دادن به جهل و معرفت کافی نداشتن، همچنین باقی ماندن بر نقاط ضعف شخصیتی و اخلاقی از جمله مواردی است که در حوزه اختیار فرد عبادت‌کننده است و این امکان همیشه برایش فراهم است که آفات را رفع کند. همچنین موارد مربوط به عوامل تکوینی برای بستن راه‌های نفوذ شیطان به وجود خودمان است که شناختن آنها از راه‌های مبارزه با آفات است. مواردی که خارج از اختیار فرد است اگر برای اصلاح جامعه، فرهنگ، سیاست و اقتصاد صورت گیرد هر یک می‌تواند برای مصونیت فرد و جامعه از آفات عبادات مفید واقع شود. پس درباره هیچ یک از موارد فوق نمی‌توانیم بی‌توجه باشیم.

۲۵

آسیب‌شناسی عبادت از منظر قرآن و حدیث

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند. ۱۴۱۵ق. تهران: دارالقرآن کریم.
 آرام، احمد و حکیمی. ۱۳۸۰ش. *الحیاه*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 اراکی، محمدعلی. ۱۳۷۰ش. *رساله توضیح المسائل*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 ارفع، کاظم. ۱۳۸۸ش. *حدیث بندگی، شرح موضوعی صحیفه سجادیه، شاکری، سیمیاران (ویراستار)*. تهران: فیض کاشانی.
 تمیمی آمدی، عبدالواحد. ۱۳۶۶ش. *تنصیف غررالحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.



- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. ۱۴۱۸ق. *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۸ش. *حکمت عبادت، حسین شفیعی (ویراستار)*. قم: اسراء.
- حجتی، محمدباقر. ۱۳۶۹ش. *آداب تعلیم و تعلم در اسلام*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- الحر عاملی، محمد بن الحسن. ۱۳۶۴ش. *وسائل الشیعه، ترجمه علی صحت*. تهران: ناس.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. ۱۳۶۳ش. *تفسیر اثنی عشری*. تهران: میقات.
- خمینی، روح الله. ۱۳۷۰ش. *رساله توضیح المسائل*. تهران: کانون انتشارات پیام محراب.
- _____ . ۱۳۷۳ش. *آداب الصلاه*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۷۵ش. *المفردات فی غریب القرآن*، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. ۱۳۸۶ش. *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن کریم*. رشت: کتاب مبین.
- سامی، محمدعلی. ۱۴۱۶ق. *الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم*. بیروت: دارالمحبه.
- صحیفه سجادیه، ترجمه علی نقی فیض الاسلام. ۱۳۶۸ش. تهران: مرکز نشر آثار فیض الاسلام.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی. ۱۳۶۷ش. *من لایحضره الفقیه*، ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: صدوق.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۷۴ش. *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، احمد بن علی. ۱۳۸۱ش. *احتجاج*، ترجمه بهراد جعفری. تهران: اسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۰ش. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه گروهی از مترجمان. تهران: فراهانی.
- _____ . ۱۳۷۷ش. *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه گروهی از مترجمان. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- طیب، عبدالحسین. ۱۳۷۸ش. *الطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
- عدنان سالم، محمد و سلیمان وهبی. ۱۳۸۴ش. *المعجم الفهرس لکلمات القرآن العظیم*. تهران: اسلام.
- عمید، حسن. ۱۳۷۸ش. *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیر کبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۱۰ق. *کتاب العین*. قم: هجرت.
- فرهنگ لاروس. ۱۳۷۶ش. ترجمه حمید طیبیان. تهران: امیر کبیر.
- قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۷ش. *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
- _____ . ۱۳۷۱ش. *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، عباس. بی تا. *مفاتیح الجنان*، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. قم: هم میهن.



- گنابادی، سلطان محمد. ۱۳۷۲ش. *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادہ*، ترجمه رضا خانی، حشمت الله ریاضی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۳۶۴ش. *بخارا الانوار*، ترجمه محمد باقر کمره ای. تهران: اسلامیه.
- مدرسی، محمدتقی. ۱۳۷۷ش. *تفسیر هدایت*، ترجمه احمد آرام. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰ش. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۰ش. *سیری در سیره ائمه اطهار(ع)*. تهران: صدرا.
- مهیار، رضا. بی تا. *فرهنگ ابجدی عربی فارسی*. بی جا: بی نا.
- نجفی خمینی، محمدجواد. ۱۳۹۸ق. *تفسیر آسان*. تهران: اسلامیه.
- نراقی، احمد. ۱۳۷۶ش. *معراج السعاده*. قم: هجرت.
- نراقی، مهدی. ۱۳۷۰ش. *علم اخلاق اسلامی*، ترجمه جلال الدین مجتبیوی. تهران: حکمت.
- نصیری رضی، محمد. ۱۳۷۸ش. *تاریخ تحلیلی اسلام*. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها و معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی. ۱۳۸۷ش. قم: امام عصر.
- نهج الفصاحه*، ترجمه ابوالقاسم پاینده. ۱۳۸۲ش. تهران: دنیای دانش.